

جنگی برای آب اتفاق نخواهد افتاد

آرون وولف*، جغرافیدان امریکایی، با استناد به تاریخ درگیری‌های مربوط به آب، این پیش‌بینی شوم و بسیار گسترده را که می‌گویند «جنگ‌های قرن بیست و یکم به خاطر آب خواهد بود»، رد می‌کند

گفت‌وگو کننده: امی اوچت

عضو هیئت تحریریه پیام بونسکو

تقریباً هر روزنامه‌نگاری هنگام نوشتن درباره آب، از جنگ‌های گذشته و آینده بر سر آب هم سخن می‌گوید. شما در خصوص قراردادهای و «وقایع» بین‌المللی مربوط به آب تحقیقاتی وسیع داشته‌اید. آخرین باری که دو کشور بر سر آب باهم جنگیده‌اند کی بوده است؟

یگانه جنگی که یقین داریم بر سر آب درگرفته، مربوط به ۴۵۰۰ سال پیش است. در آن جنگ، دو شهر در منطقه بین‌النهرین بر سر تصاحب رودهای دجله و فرات در عراق کنونی با هم رویارو شدند.

از آن زمان تا به حال آب گاهی موجب تیرگی روابط بین برخی کشورها شده است، اما غالباً می‌بینیم که ملت‌های درگیر - مانند هند و پاکستان یا اسرائیل و فلسطین - بر سر بسیاری

مسائل یکدیگر را پاره می‌کنند، در حالی که اختلافات مربوط به آب را حل و فصل می‌کنند.

ما همچنین تمام مذاکرات ثبت شده مربوط به آب را که ظرف پنجاه سال اخیر در ۲۶۱ حوضه رودخانه‌های بین‌المللی رخ داده است،

بررسی کردیم. دوسوم از ۱۸۰۰ مورد ثبت شده شامل همکاری‌هایی مانند تحقیقات مشترک علمی و نیز انعقاد بیش از ۱۵۰ معاهده بوده است.

در مورد گفت‌وگوهای سرد یا درگیری‌ها، باید اشاره کنیم که هشتاد درصد از آنها صرفاً تهدیداتی لفظی بوده که رهبران کشورها ایراد کرده‌اند و احتمالاً بیشتر جنبه تبلیغاتی در داخل کشور خودشان داشته است. انور سادات، رئیس‌جمهوری مصر، در سال ۱۹۷۹ درباره رود نیل چنین گفت: «آب یگانه دلیلی است که شاید مصر را روزی وادار کند دوباره وارد جنگ شود». گویا پادشاه اردن هم در سال ۱۹۹۰ در مورد رود اردن چنین حرفی زده بود.

با این حال، ظرف پنجاه سال گذشته، سی و هفت مورد تیراندازی بین مردم بر سر آب رخ داده که بیست و هفت مورد آن بین اسرائیل و سوریه به خاطر رودهای اردن و یرموک اتفاق افتاده است.

به زعم برخی، کاهش فزاینده منابع آب موجب می‌شود که دیگر نتوانیم برای پیش‌بینی آینده به گذشته رجوع کنیم. ظاهراً حادثه‌ترین آنها مربوط به رودهای دجله و فرات و نیز رود اردن است. همه کشورهای حوضه این رودها دچار کمبود آب هستند. آنها همچنین از امکان منحرف ساختن رودها و محروم ساختن همسایگان‌شان برخوردارند. با وجود بروز دشمنی بین این کشورها، همگی به توافق‌هایی دست پیدا کرده‌اند.

وقتی به خاطر نفت جنگ راه می‌افتد، چرا بر سر آب درگیر نمی‌شویم؟

جنگ بر سر آب از حیث راهبردی کاری بی‌معناست. هیچ کشوری نمی‌تواند با جنگ با همسایه‌اش منابع آب خود را افزایش دهد، مگر آن که قصد کند حوضه آبخیز را به‌طور کامل تصرف و آن را از مردم خالی کند که البته در این صورت باید در انتظار انتقامی وحشتناک باشد.

اما آب قبلاً هم به عنوان سلاح و هم به عنوان هدف جنگی مورد استفاده قرار گرفته است.

همیشه. اما این موضوعی دیگر است. طی جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، عراق بیشتر کارخانه‌های آب

شیرین‌کنی کویت را منهدم کرد و نیروهای ائتلاف تأسیسات آب بغداد را هدف قرار دادند. پیش از ورود ناتو به کوزوو در سال ۱۹۹۹، مهندسان صرب شبکه توزیع آب پرستینا را بسته بودند. اما باید بین نقش‌های مختلف آب همچون سرچشمه اختلاف، منبع استفاده یا سلاح جنگی تمایز قائل شویم. بر همین قیاس، جنگ به خاطر نفت پدیده‌ای یکسان با استفاده از شعله‌افکن و بمب ناپالم نیست.

پس این شایعات در مورد جنگ آب از کجا آمده است؟ بخشی از آن پس از خاتمه جنگ سرد سر درآورد، یعنی موقعی که ارتش‌های غربی از خود پرسیدند: «پس حالا ما چه کنیم؟» در این برهه بود که حرف‌هایی درباره امنیت زیست‌محیطی به راه افتاد. حدود سال ۱۹۹۲ بسیاری از سیاست‌شناسان نظر دادند که کمبود منابع سبب جنگ خواهد شد. وقتی اهمیت آب را برای بوم‌سازگان‌ها و انسان‌ها درک کنیم، وسوسه می‌شویم

هیچ کشوری نمی‌تواند

از طریق جنگ با همسایه،

منابع آب خود را

افزایش دهد

*رئیس پروژه یک بانک اطلاعاتی در خصوص منازعات فرامرزی آب (<http://terra.geo.orst.edu>) و استادیار دانشگاه اورگون.

یک طرح بسیار بحث‌انگیز جمع‌آوری کرده است. قرار است با این طرح بیست و دو سد و ۱۹ نیروگاه برق روی رودهای دجله و فرات احداث شود. همین وضعیت در مورد سد تارمادا در هند و طرح سه گلگاه در چین هم صدق می‌کند.

دجله و فرات حکم بشکته باروت را دارند. چه عاملی می‌تواند ترکیه را که احتمالاً نیرومندترین کشور منطقه است، وادارد از تحکیم منافعش، به ضرر عراق و سوریه، چشم‌پوشی کند؟ غالباً چنین می‌گویند، اما آنچه تاکنون رخ داده جالب است. کشورهای غربی در سال ۱۹۹۱ از ترکیه خواستند جریان فرات را به سوی عراق مسدود کنند، اما آنکارا پاسخ داد: «شما می‌توانید از حریم هوایی و پایگاه‌های ما برای بمباران عراق استفاده کنید، اما ما آب را به روی این کشور نخواهیم بست.» ترکیه، سوریه و عراق از دهه هفتاد موافقتی تلویحی با هم داشته‌اند که ترکیه آن را، به رغم احداث سد‌هایی، رعایت کرده است. از مناقشات که بگذریم، عراق و سوریه مفیدبودن این سد‌ها را در تنظیم جریان رود و تمدید فصل کشاورزی قبول دارند. ترکیه به دلایلی چون عضویت در ناتو، مسائل داخلی و نامزدی برای عضویت در اتحادیه اروپا مایل است همسایه‌ای درستکار تلقی شود. مشکل‌ترین جنبه این وضعیت، آشکار کردن توافقاتی تلویحی است.

کارشناسان آب معتقدند که حوضه یک رودخانه باید به مثابه کلیتی واحد اداره شود. اما ظاهراً مذاکرات چندجانبه درباره چنین معاهداتی برای مسئولان کشورها به منزله کابوس است.

مسلماً هر چه تعداد طرف‌های ذی‌ربط بیشتر باشد، رسیدن به توافق دشوارتر است، خصوصاً وقتی موضوع به حاکمیت کشورها برگردد. رود اردن را در نظر بگیرید: سوریه و اردن قرارداد دارند، اردن و اسرائیل قرارداد دارند، اسرائیل و فلسطینی‌ها قرارداد دارند؛ یعنی چند قرارداد دوجانبه برای یک رود با حوضه‌ای چندجانبه که تقریباً به نحوی عادلانه اداره می‌شود. البته فلسطینی‌ها احتمالاً در آینده سهم بیشتری طلب می‌کنند و آن را به دست خواهند آورد.

برخی کارشناسان اقتصاد می‌گویند برای حل اختلافات، باید بازار بین‌المللی آب ایجاد شود. آیا می‌توان با تبدیل کردن آب به کالای تجاری، از اختلافات کاست؟

اقتصاددان‌ها می‌توانند منافع حاصل از آب را مورد ارزیابی رقمی قرار دهند. مثلاً، آمریکا با کانادا قراردادی بسته که طبق آن بندهایی روی رودها در خاک کانادا ایجاد کند. آمریکا مبالغی را به‌خاطر منافی که از احداث بندها می‌برد، به کانادا پرداخت می‌کند. معمولاً تقسیم منافع حاصل از آب ساده‌تر و عادلانه‌تر از تقسیم خود آن است.

اقتصاددان‌ها همچنین تذکر می‌دهند که باید هزینه‌های توزیع، تصفیه و ذخیره‌سازی آب برگشت کند. ما برای کالا اعلام کردن آب تحت فشاریم، هر چند این تلقی هنوز در سطح بین‌المللی جا نیفتاده است. به رغم همه اینها، به خاطر پیوندهای احساسی، زیبایی‌شناختی و مذهبی‌ام با آب، شخصاً از کالا تلقی کردن آن اکراه دارم.

که آن را سرچشمه‌ای برای جنگ تلقی کنیم، اما صاحب‌نظران مذکور همه ظرایف موضوع را لحاظ نکرده بودند.

به اعتقاد شما آب به خاطر طبیعت‌اش کشورها را به همکاری سوق می‌دهد؟

توافقات اسلو بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها از مذاکرات محرمانه بین مسئولان آب منطقه نشأت گرفت که اگر اشتباه نکنم در سال ۱۹۹۰ در زوریخ برگزار شد. این مسئولان سپس هم‌تایان سیاسی خود را واداشتند با یکدیگر ملاقات و روند توافقات را آغاز کنند.

این‌گونه واکنش‌های زنجیره‌ای پدیده‌ای نادر نیست. برخی از کشورهای سواحل نیل از مذاکره در مورد آب شروع کردند و اکنون در آستانه انعقاد قراردادی شامل راه‌های ارتباطی، شبکه برق و چند موضوع دیگر هستند (نگاه کنید به صص ۳۱-۳۰).

شما مدعی هستید که خطر واقعی نه کمبود آب که تمایل یک کشور برای تحت کنترل درآوردن یک راه آبی بین‌المللی است. بیشتر اختلافات به احداث سد‌ها مربوط می‌شود. اما این قبیل طرح‌ها معمولاً مستلزم مشارکت سازمان‌هایی چون بانک جهانی‌اند که طرح‌ها را طبق موازین زیست‌محیطی و اخلاقی می‌سنجد. آیا این سازمان‌ها نمی‌توانند نفوذشان را برای پیشگیری از درگیری‌ها به کار گیرند؟

این اتفاق قبلاً افتاده است. اما از آنجا که بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها از سوی بخش خصوصی صورت می‌گیرد، بانک‌های توسعه دیگر قادر به تحمیل خواسته‌هایشان نیستند. مثلاً ترکیه سرمایه‌هایی را از منابع مختلف برای تأمین بودجه



نقطه انفجار بالقوه. پروژه سد GAP در ترکیه.

«نگذارید حتی

یک قطره آب

از روی زمین

بدون آنکه

به مردم

خدمت کرده باشد،

راهی دریا شود.»

پراکاما - باهو ای،

پادشاه سری لانکا

(۱۱۸۶ - ۱۱۵۳)